



مقدمه به جای متن!

در این شماره برای انتخاب کتاب، سراغ يك نویسنده و روزنامه‌نگار رفته‌ایم. حورا نژادصداقت که ده سال در رسانه‌ها فعالیت کرده برای این

شیما آشتیانی

روزنامه‌نگار

هفته سه کتاب را این‌گونه به ما معرفی می‌کند:

«برهم زدن عادت‌های کتابخوانی همیشه برایم جالب است. مثلاً گاهی فقط مقدمه خوانی می‌کنم. بعضی از کتاب‌ها مقدمه‌ها و پیشگفتارهایشان خیلی سخت‌تر از خود کتاب است. بعضی‌ها هم مقدمه‌های آبیکی دارند و تهش چیزی دست مخاطب را نمی‌گیرد. اما يك سری از کتاب‌ها مقدمه‌های بسیار دقیقی دارند که حتی می‌توان هر چند وقت یکبار به آنها مراجعه کرد. مثلاً گزیده‌ای که دکتر شفیعی کدکنی از غزلیات شمس (در نشر سخن) دارند. خواندن غزلیات انتخابی دکتر شفیعی با توضیحات موجز ولی کاربردی‌ای که دارند، لذتبخش است، اما بخش خواندن‌ترین کتاب، مقدمه ایشان است. تعریفی که دکتر شفیعی از تصوف دارد، آن‌قدر دقیق و دلنشین است که احتمالاً شما هم دلتان نمی‌آید خواندن این مقدمه تمام شود و حتماً با خود خواهید گفت: عجب... پس تصوف یعنی این!»

اثر دو جلدی «غزلیات شمس تبریز» با گزینش و تفسیر استاد محمدرضا شفیعی کدکنی تدوین شده و این اثر دارای ویژگی‌هایی است که آن را از آثار مشابه متمایز می‌کند؛ توضیح اصطلاحات و کلمات دشوار یا تفسیری مختصر پای هر شعر آمده است. او ادامه می‌دهد:

«آقای منوچهر انور هم مقدمه‌هایی دقیق و خواندنی برای کتاب‌هایش می‌نویسد که گاهی نگاهتان را به امور تغییر می‌دهد. مثلاً ایشان درباره تغییر زبان در مقدمه نمایشنامه خانه عروسکی نوشته هنریک ایبسن نکات جالبی مطرح می‌کند که احتمالاً پس از پایان خواندن مقدمه چراغی برایتان روشن می‌شود که چرا زبان اداری و حکومتی با زبان عامیانه‌ای که ما روزانه با آن صحبت می‌کنیم متفاوت است و ریشه این تفاوت‌ها از کجا بوده.»

نمایشنامه خانه عروسك یا عروسكخانه در سال ۱۸۷۹ توسط هنریك ایبسن نوشته شد. خانه عروسك اولین نمایشنامه حسی ایبسن و اکنون مشهورترین اثر اوست که در کالج‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

نژادصداقت در راستای مقدمه‌خوانی اش سراغ يك کتاب درباره يك فیلسوف روان‌شناس رفت:

«ما از یونگ فراوان شنیده‌ایم حتی خوانده‌ایم، اما چرا یونگ برای ما جالب است؟ وقتی که یونگ داشته افکارش را می‌نوشته، ما ایرانی‌ها در چه وضعیتی بودیم؟ پیشگفتار دکتر شمیسا بر کتاب «یونگ می‌گوید»، آنقدر متفاوت است که شاید یکی دوبار کتاب را ببینید و صبر کنید تا به این زودی‌ها مقدمه‌اش تمام نشود.»

در این کتاب که از سوی ویلیام مک‌گوایر و ریچارد فرانسیس کرینگتون هال گردآوری و تألیف شده، تعدادی از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های یونگ و خاطرات دیدارکنندگان او فراهم آمده است. 

عطف
قصه

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
سه‌شنبه ۲۳ مهر ۹۸ ■ شماره ۴۳

«سفرنامه با صاد»

سفرنامه‌ای منظوم از زیارت اربعین است

صفرنامه

سیفا... نجاریان

روزنامه‌نگار

حرف از شعر و شاعری که می‌شود اغلب یاد حافظ و فردوسی و سعدی و مولوی می‌افتند و اگر خیلی آوانگارد باشند اسم چندتایی از شاعران نوپرداز معاصر را می‌برند. مثلاً فروغ فرخزاد یا سهراب سپهری! عاشقانه‌ها هم که معمولاً در صدر جدول توجه مخاطبان شعر فارسی هستند و اصولاً شعر فارسی است و عاشقانه‌هایش. مثلاً حسین منزوی که او را سلطان غزل می‌خوانند یا محمدعلی بهمنی که تغزل‌هایش دل را می‌برد و عقل را زایل می‌کند و دهان را می‌بندد و دل را پرواز می‌دهد. برای همین وقتی حرف از شعر می‌شود اول دفتر عشق و عاشقی باز می‌شود و بعد شاعر و شعر بودن سروده‌هایش مطرح می‌شود. اینهایی که گفتم تصور عمومی است و چه قاضی و داوری بهتر از مردم؟ مردم می‌توانند با انتخاب يك نفر او را اوج ببرند و همان مردم با گرفتن نگاهشان کسی را از اوج به قعر بیاورند. برای همین وقتی نام فروغ یا سهراب یا منزوی و بهمنی برده می‌شود بی‌درنگ اشعاری زمزمه می‌شود که وجه عاشقانه آنها پررنگ است.

حالا يك شاعر جوان هم عاشقانه‌هایش را برای خواندگانش در قالب نیمایی سروده و در کتابی با عنوان «سفرنامه با صاد» منتشر کرده است. عاشقانه‌هایی که متفاوت از عاشقانه‌های منزوی و فروغ و بهمنی هستند و عشقی در آن دیده می‌شود که خواننده را مجذوب خود می‌کند. شاید این شاعر جوان به پای بزرگان شعر معاصر نرسد و قیاس اشعارش با قله‌های شعر امروز از پایه غلط باشد ولی او تلاش کرده مشاهداتش را در قالب شعر برای خوانندگان بریزد و آنها را در سفری روحانی شریک کند تا بعد منزل معنای خود را از دست بدهد. سیدمهدی موسوی با اشعارش در این مجموعه خواننده را گام به گام با زائران اربعین حسینی پیش می‌برد تا او را به قبله دل‌ها برساند.

بهتر است در ازای هر قدم

کشف شاعرانه‌ای

نذر کفشداری حرم‌کنم

سینه سرخ‌هایکی یکی

لانه می‌کنند

در میان کفش‌ها و من

این درنگ‌های شاعرانه را مرور می‌کنم

شاعر در این مجموعه تصاویری را به خواننده نشان می‌دهد که اگر خودش تجربه این سفر را داشته باشد، با آنها همذات‌پنداری خواهد کرد و آنهایی که تجربه این سفر را نداشته‌اند حسی وصف‌نشدنی را تجربه می‌کنند. موسوی در این مجموعه تلاش می‌کند از زبان يك زائر اتفاقات را بازگو کند، بر همین اساس مواجهه او با اتفاقات از همین زاویه است و نقشی جز نقش راوی در شعر ندارد.



شاعر از ترفند پیوند زدن اتفاقات و مشاهداتش در امروز با عاشورای سال ۶۱ بهره برده و بارها از این روش روضه‌اش شاعرانه برای خواننده نقل کرده است.

مرد عاشقی

پایه‌پای جاده می‌رود

از خودم سوال می‌کنم:

«چتر او کجاست؟»

ناگهان

هر دو آستین او میان باده‌ها

به هر طرف کشیده می‌شود

با سوال دیگری به خود جواب می‌دهم:

«با کدام دست؟»

  

می‌روم به عمق ماجرا

پهلوان لشکری به روی اسب

مشک آب برده‌ان

وای اگر...»

قالی که شاعر برای بیان روایتش از سفر اربعین انتخاب کرده با زبانی که در این قالب به خدمت گرفته همخوانی نزدیکی دارد و خواننده ارتباط تنگاتنگی با قطعات این کتاب برقرار می‌کند و این نقطه قوت بزرگی برای این کتاب است.

سیدمهدی موسوی در «سفرنامه با صاد» منزل به منزل با اشعارش خواننده را به موقف نهایی نزدیک می‌کند. او با اشعارش می‌کوشد تصویری شاعرانه از این حماسه به نمایش بگذارد، تصویری که عاطفه در آن موج می‌زند و خواننده خود را در میان این همایش بزرگ حس می‌کند. این کتاب تجربه‌ای تکرارنشدنی از يك اتفاق مهم است. همان‌طور که این حرکت يك حماسه بزرگ است شاعر نیز از این مساله غافل نبوده و سعی کرده آن را در اشعارش بازتاب دهد به همین خاطر اشعار این کتاب از منظر حماسی نیز در خور توجه بوده و خواننده می‌تواند از این منظر نیز با آنها ارتباط برقرار کند.

پابرهنه با عصای چوبی بلند

رو به گنبد حرم، ادای احترام می‌کند

بغض در گلوی او شکست

قطره‌های اشك

بر صلیب روی سینه‌اش نشست

ساعت دلش

با چهار عقربه تپید

رفت و در میان ازدحام جمع

گوشه صریح را گرفت

دامنِ حقیقتِ مسیح را...

  

یاد جان‌فشانی وهب بخیر 